**اسلام رفتنى است!**

اسلام رفتنى است. اسلام دارد از زندگى مردم ايران رخت بر مى بندد. نه فقط از حکومت و دولت و آموزش و پرورش، بلکه از منظره شهرها، از دنياى درونى تک تک انسانها، از عمق عواطف و فرهنگهاى فردى شان، از خود آگاهى شان، از مناسبات روزمره شان باهم. اسلام دارد ور مى افتد، درست به همان شکلى که دين و جهالت بطور کلى بايد وربيفتد. بايد پشت سر گذاشته شود. ايران يک موج برگشت وسيع ضد اسلامى را تجربه ميکند. رژيم سياسى آتى ايران چه چپ باشد چه راست، چه انقلابى باشد و چه ارتجاعى، فقط ميتواند غير مذهبى باشد. مردم بنيادهاى هويت مذهبى را به لرزه درآورده اند. جمهورى اسلامى نميتواند باقى بماند، از جمله و بويژه به اين دليل که مذهبى است. اسلامى است. جناح راست با کوبيدن بر طبل اسلاميت فقط به انزجار عموم مى افزايد و آتش عصيان و قيام را شعله ور ميکند. اما دوم خردادى ها هم راه حلى ندارند. اين تصور که مردم ايران عليه اسلام محمدى برميخيزند و به ميدان مى آيند، تا بعد به دست خودشان اسلام "پروتستان" نيم پز اين و آن را بر تخت بنشانند و ميان عمامه ها انتخاب کنند، از فرط حماقت فکاهى است. سير تحولات آتى ايران قالب اسلاميت را پاره ميکند و همراه آن تمام جريانات اسلامى، از خاتمى چى ها و نهضت آزادى تا طيف وسيع اپوزيسيون اسلامزده و شرقزده حاصل تجزيه و دگرديسى حزب توده و جبهه ملى، که به يک معنى وسيعتر تاريخى براستى بايد از نظر اسلاميون "خودى" محسوب شوند را بيش از پيش منزوى و بى ربط ميکند. دوم خردادى ها هرچه بکارند، بهر حال محصولش را خود درو نخواهند کرد. اين يک اردوى ناپايدار و گذراست.اين صورت مساله است. ناسازگارى جمهورى اسلامى با حيات اقتصادى ايران، انتظارات و نيازهاى سياسى و فرهنگى اکثريت عظيم مردم ديگر عيان شده و يک مبارزه وسيع اجتماعى براى رفع اين تناقض در ايران آغاز شده است. جمهورى اسلامى لبه پرتگاه است. جناح راست نميتواند قدرت را حفظ کند. سلاح سرکوب و ارعاب بي مصرف و کند شده. دگرگونى عميق اوضاع اجتناب ناپذير است. اما سير تحول آنجا که دوم خردادى ها مى خواهند متوقف نميشود. نقطه تعادل اسلامى جديدى وجود ندارد.

این متن بخشی از مقاله منصور حکمت تحت عنوان يادداشتهائى درباره بحران سياسى رژيم اسلامى است که در اردیبهشت سال ۱۳۷۹ نوشته شده است.